

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ا.م. شیرازی
۱۶ مارچ ۲۰۱۹

اسراف وزیر آموزش و پرورش در شکرخوری

آقای سید محمد بطحائی وزیر آموزش و پرورش ایران در یک گفتار ویدئویی "در خصوص اهمیت آموزش زبان فارسی در دوره ابتدائی گفت: آموزش زبان و ادبیات فارسی و تکلم دانش آموزان ابتدائی به فارسی خط قرمز آموزش ما به ویژه در مناطق عشایری و مناطق دو زبانه مانند بلوچ، عرب، ترک زبان و غیره است و معلمان نباید به هیچ وجه برای برقراری ارتباط راحت تر با دانش آموزان به زبان محلی تکلم کنند چرا که این امر بسیار خطرناک است"

(۱)

واضح است که زبان فارسی، زبان یکی از اقلیت های ملی ایران است، که کمتر از ۲۵ درصد جمعیت بیش از ۸۵ میلیونی کشور را تشکیل می دهد. اگر در نظر بگیریم که مجموع جمعیت فقط دو خلق ترک و کرد ایران بیش از ۴۰ میلیون نفر اند، درصد واقعی جمعیت فارسی زبان ایران باز هم روشن می شود.

اما خلاف اظهارات شونیستی آقای وزیر، خط قرمز دهها میلیون جمعیت ایران چه فارس و چه غیرفارس، آزادی، برابری و عدالت است، نه زبان فارسی! و ناگفته روشن است که تداوم ممانعت از تدریس به زبان ملی، به سخن دقیق تر، منع ابراز هویت ملی خلق های کشور، یکی از جدی ترین خطراتی است که وحدت و تمامیت ایران را تهدید می کند. به ویژه این که، نه تنها زبان فارسی، بلکه، هر زبان دیگری، هیچ گونه مزیت و برتری نسبت به سایر زبانها ندارد. بنا بر این، در کشوری که حاکمیت آن حاضر نیست خط قرمز بیش از ۷۵ درصد جمعیت کشور را رعایت نماید و حاضر است به جای اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی کشور، به تبعیض و برتری نژادی، زبانی و مذهبی کماکان ادامه دهد، طبیعتاً، دهها میلیون نفر "من" دیگر نیز نمی توانیم به تقویت اتحاد و تداوم زندگی با این آقا و هموعانشان حاضر باشیم و نخواهیم بود.

در همین راستا، لازم است به آقای وزیر تذکر داده شود، که هرکسی، هر نهادی یا تفکری که زبان فارسی را چه در گذشته و چه در حال، به مثابه "خط قرمز" برای وحدت ایران کثیر المله تعیین نموده، حقوق اولیه دهها میلیون انسان مثل "من" ترک، کرد، لر، عرب، بلوچ، گیلک، تالش، ترکمن و... کشور را نادیده گرفته، زبان و ادبیات غنی ما را به ورطه اضمحلال کشانده، خیلی بی جا کرده، همچون شما شکر زیادی خورده است. ما، دیگر نمی خواهیم و نمی توانیم توهین و تحقیر های شونیست های برتری طلب را تحمل کنیم.

آقای وزیر، حواستان را جمع کنید! دیگر آن دوره پدر و پسر که به حساب چماق بیگانه به ملل ایران قلدری می‌کردند و هر صدای آزادیخواهانه و برابری‌طلبانه را با گلوله خاموش می‌کردند، گذشت! امروز دوره، دوره دیگریست و وجود شما و دولت بی‌تدبیر و کلید که نه، چماق به دست یک خطر بالفعل برای ایران است نه تدریس به زبان "محلی"، نه محروم کردن کودکان از آموزش به زبان مادری خود! دیگر بس است، کاسه صبر ما لبریز شده، "پا رومی روم، پا زنگی زنگ"! یا حق انسانی‌مان را می‌ستانیم و یا به زندگی خود در آزادی و خارج از سلطه شونیزم ادامه می‌دهیم.

خلاصه کلام، بدیهی است که بنا به الزامات شرایط تاریخی و ترکیب ملی ایران، ضرورت انجام تغییرات بنیادی در نظام آموزشی کشور کاملاً مشهود است و تغییرات در نظام آموزشی نیز باید ناظر بر تدریس همه رشته‌های درسی از ابتدائی تا عالی، در مناطق به زبان‌های ملی و در کنار آن، تدریس زبان و ادبیات فارسی فقط به مثابه زبان بین‌الملل خلقهای ایران باشد. در غیر این صورت، استمرار سلطه شونیزم در کشور موجب تداوم و تشدید اضمحلال زبانهای ملی، تضعیف و گسست اتحاد بین خلقهای کشور خواهد شد. و خود این، به یقین که وحدت و تمامیت ایران را در آینده نچندان دور به زیر سؤال خواهد برد نه تحصیل به زبان "محلی" آقای وزیر!

ا. م. شیرازی

۲۴ اسفند - حوت ۱۳۹۷

(۱) -

<https://iranglobal.info/comment/100511>